

## بازتاب برابری خواهی جنسیتی در ترجمه کتاب مقدس

منصور معتمدی\*

زهرا میقانی\*\*

### چکیده

کتاب مقدس به‌منزله متن مبنا در دو دین یهودیت و مسیحیت از اهمیت بسیاری برخوردار است. در قرن بیستم ظهور نظریات جدید در حوزه ترجمه راه را برای ورود نگرشی نو، مبتنی بر اصول و ارزش‌های برابرخواهانه، به ترجمه کتاب مقدس هموار کرد. در برخی ترجمه‌های جدید مترجمان کوشیدند با حذف عناصر جنسیتی، بازنگری در الگوهای قدرت، و به‌کاربردن زبانی شمول‌گرا مطابق با معیارها و ارزش‌های عصر جدید از انحصارگرایی و مردسالاری حاکم بر کتاب مقدس بکاهند. پژوهش پیش‌رو، ضمن بررسی اجمالی مبانی نظری در حوزه ترجمه، بر آن است تا با ارائه توضیحات و مثال‌هایی عینی ورود اندیشه برابری خواهی را به حوزه ترجمه کتاب مقدس و بازتاب آن را در ترجمه‌هایی موسوم به ترجمه‌های شمول‌گرا نشان دهد و درنهایت توفیق آن را از منظر برابری خواهی جنسیتی بررسی کند.

**کلیدواژه‌ها:** کتاب مقدس، ترجمه شمول‌گرا، مردسالاری، زبان غیرجنسیتی.

### ۱. مقدمه

ترجمه کتاب مقدس از آن جهت که به‌باور پیروان آن کلام خداوند است با حساسیت‌ها و دشواری‌های بسیاری همراه است. در واقع ترجمه پلی می‌شود میان دو فرهنگ متفاوت که

\* دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، motamedi@um.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد (نویسنده مسئول)،

zahra.mighani@mail.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۴

در فاصله زمانی زیادی از هم قرار دارند. طبیعی است که به دلیل یک‌سان نبودن ساختار زبانی، فرهنگ، و جهان‌بینی ترجمه بی‌نقص ممکن نباشد. علی‌رغم این چالش‌ها، مسیحیت به‌منزله دینی تبلیغی چاره‌ای نداشت جز آن‌که به ترجمه کتاب مقدس تن دردهد.

نخستین ترجمه از عهد قدیم در قرن سوم پیش از میلاد و به یونانی صورت گرفت که از حیث اعتبار با نسخه عبری برابری می‌کند. ترجمه مهم دیگر، موسوم به ترگوم (Targum)، به زبان آرامی و هنگامی انجام گرفت که عبری جایگاهش را به‌منزله زبان رایج میان یهودیان از دست داده بود. ترجمه لاتین کتاب مقدس قرن پنجم میلادی تکمیل شد و بیش از هزار سال نسخه معیار مسیحیت کاتولیک باقی ماند. در دوره حاکمیت کلیسا، بخش‌هایی از کتاب مقدس به زبان‌های مختلف ترجمه شد، اما سرانجام در قرن چهاردهم بود که جان ویکلیف تمام کتاب مقدس را با اتکا به نسخه لاتین به انگلیسی ترجمه کرد. دو قرن بعد، ویلیام تیندال توانست یکی از بهترین ترجمه‌ها از کتاب مقدس را منتشر کند. تیندال به حکم کلیسا سوزانده شد، اما ترجمه او مقدمه و الگویی شد برای ترجمه‌های بعدی.

تا قرن شانزدهم میلادی زبان درباریان و اشراف در انگلستان لاتین و فرانسه بود. در اواخر این قرن و در زمان سلطنت الیزابت اول (۱۵۵۸-۱۶۰۳) انگلستان به سرزمینی قدرت‌مند تبدیل شد و عصری طلایی برای ظهور اهل ادب و اندیشه رقم خورد. به تدریج این باور پدید آمد که زبان انگلیسی قابلیت ابراز طیف وسیعی از احساسات و افکار انسانی را دارد. به پشتوانه قدرت سیاسی و آثار ادبی انگلیسی، نوشتن و ترجمه به انگلیسی وجهه و اعتباری خاص پیدا کرد. الیزابت با آموزه‌های پروتستان بزرگ شده بود، بنابراین پروتستان‌ها که تا آن زمان تنها مترجمان کتاب مقدس بودند در زمان سلطنت او آزادی عمل پیدا کردند (Scorgie and Strauss 2003: 202).

یکی دیگر از مهم‌ترین ترجمه‌های انگلیسی با عنوان کینگ جیمز شناخته می‌شود. این ترجمه به دستور شاه جیمز اول (۱۶۰۳-۱۶۲۵) و همکاری کارگروهی از اندیشمندان و مترجمان تهیه شد و تا سه قرن محبوب‌ترین ترجمه کتاب مقدس باقی ماند. در قرن‌های بعدی نیز ترجمه کتاب مقدس به سایر زبان‌ها ادامه پیدا کرد و در دو قرن اخیر به اوج خود رسید. هم‌اکنون نیز ترجمه کتاب مقدس و تصحیح ترجمه‌های موجود به زبان‌های مختلف در سراسر جهان ادامه دارد.

پیش از ظهور زبان‌شناسی و پیش از آن‌که ترجمه موضوع مطالعات علمی واقع شود، ترجمه بیش‌تر یافتن مناسب‌ترین معادل برای واژه‌های متن مبدأ تعریف می‌شد، اما به تدریج دغدغه قابل فهم‌تر بودن ترجمه را از قید ساختارهای زبان مبدأ رها ساخت و دودستگی که

با شعار سیسرو، ترجمه کردن معنی به معنی نه واژه‌به‌واژه، آغاز شده بود شکل جدی‌تری به خود گرفت (مهدی‌پور ۱۳۸۹: ۵۷). به این ترتیب مترجم این آزادی را پیدا کرد که با هدف مفهوم‌ترشدن ترجمه تغییراتی را در فرایند انتقال متن از زبانی به زبان دیگر اعمال کند. البته مترجم با این کار خود را در معرض اتهام تحریف و تفسیر به رأی از سوی لفظ‌گراها قرار می‌دهد، زیرا لفظ‌گراها در ترجمه وفاداری به صورت متن مبدأ را در اولویت قرار می‌دهند و کم‌تر توجیهی را برای اعمال تغییراتی به نفع زبان مقصد می‌پذیرند. این تحول در ترجمه متون مقدس که رعایت امانت و حفظ معنی و روح کلام متن مبدأ از حساسیت بیش‌تری برخوردار است، بسیار نمود پیدا می‌کند. برخی مترجمان از این آزادی عمل برای از میان بردن زبان مردانه و انحصارگرایانه کتاب مقدس بهره بردند و حاصل ترجمه‌هایی شد موسوم به ترجمه‌های «شمول‌گرا» (Inclusive). ترجمه‌های شمول‌گرا تلاشی هستند برای شکستن انحصار جنسیتی و پررنگ‌تر جلوه دادن حضور زنان در کتاب مقدس. البته این ترجمه‌ها از سوی مخالفان در معرض اتهام تغییر و تحریف کلام خدا قرار دارند.

ترجمه‌های کتاب مقدس به زبان‌هایی مانند زبان فارسی که به سبب ضمایر خنثی حساسیت‌های کم‌تری برمی‌انگیزند، از بحث‌های فمینیستی دور مانده‌اند، اما دور از ذهن نیست که با گسترش و نفوذ دیدگاه برابری‌خواهانه، مخالفت با زبان جنسیتی کتاب مقدس که ابتدا در نسخه‌های انگلیسی و آلمانی مورد توجه قرار گرفت، در ترجمه به زبان‌های دیگر نیز بازنگری‌هایی در پی داشته باشد. لازم است پژوهش‌گران حوزه دین، به ویژه مسیحیت، از تحولات و بحث‌های جدید درباره ترجمه کتاب مقدس، به منزله اصلی‌ترین منبع مطالعاتی مسیحیت، آگاه باشند. هرچند ترجمه‌های شمول‌گرا در پژوهش‌های حوزه مطالعات زنان و مطالعات ادیان پیش‌تر به زبان فارسی موضوع بحث و بررسی قرار نگرفته، اما مبحثی مهم و هم‌چنان پویا در جامعه مسیحی به ویژه انگلیسی‌زبان است. برای مثال، سوزان شولتز (Susanne Scholz) از پرکارترین پژوهش‌گران حوزه الهیات فمینیستی و هرمنوتیک عهد عتیق است که در آثارش به ترجمه‌های برابری‌خواهانه کتاب مقدس نیز توجه داشته است. در مقابل، برای مثال نویسندگان کتاب *The Gender-Neutral Bible Controversy Muting the Masculinity of God's Words*<sup>۱</sup> با اولویت‌قرار دادن دیدگاه مؤمنانه به‌طور مفصل زبان غیرجنسیتی ترجمه‌های شمول‌گرا را موردبازبینی قرار داده‌اند. این آثار و موارد مشابه دیگر معمولاً از دو موضع منحصراً فمینیستی یا مؤمنانه نگاشته شده‌اند و در آن‌ها نگاهی جامع‌تر که موارد و دلایل اختلاف و پاسخ این دیدگاه‌ها به یک‌دیگر را نشان دهد حضوری ناچیز دارد. از سوی دیگر، چه در ارزیابی مردسالاری موجود در کتاب مقدس و چه واکنش

ترجمه‌های شمول‌گرا به آن، اغلب به ذکر موردی و در سطح واژگان بسنده شده و از توجه به روح حاکم بر بخش‌های مختلف کتاب مقدس و تأثیر ملاحظات شمول‌گرایانه در آن غفلت شده است. از این رو مقاله حاضر درصدد است از موضعی بی‌طرفانه ارزیابی جامع‌نگر از این بحث‌ها و نقدها داشته باشد و در نهایت نشان دهد مدافعان برابری خواهی جنسیتی چه قدر توانسته‌اند از ظرفیت‌های ایجادشده در حوزه ترجمه بهره ببرند و در تعدیل مردسالاری حاکم بر کتاب مقدس توفیق یابند.

## ۲. رویکردهای مختلف در ترجمه کتاب مقدس

ترجمه به سبب طبیعت آن به منزله رابط میان دو فرهنگ متفاوت و گاه با فاصله زمانی زیاد همواره با نقص‌هایی همراه است، اما ضرورت وجود واسطه بین‌زبانی ترجمه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. نظریه‌ها و رویکردهای مختلف در حوزه ترجمه همواره در جهت رفع این نقص‌ها مطرح شده‌اند. وفادارماندن به متن اصلی در صورت و روح کلام و در عین حال مفهوم و ملموس بودن برای مخاطب زبان مقصد یا داشتن صورتی زیبا و شکیل با انتقال بی‌کم‌وکاست مقصود نویسندگان همواره دغدغه مترجمان بوده است. رعایت دقیق همه این موارد در عمل امکان‌پذیر نیست، اما ارجح‌دانستن هریک از این موارد به گرایش متفاوتی در ترجمه انجامیده است.

بی‌شک دغدغه دقت و حفظ امانت در ترجمه کتاب مقدس جدی‌تر از دیگر متون است، زیرا هرگونه تغییر می‌تواند خیانت به کلام خداوند تعبیر شود. از این رو، ترجمه کتاب مقدس اغلب به ترجمه‌های لفظ‌گرایی می‌انجامد که به نظر طرفدارانش مسئولیت کم‌تری را متوجه مترجم می‌کند. در این ترجمه‌ها، اولویت با حفظ صورت متن مبدأ است و ترجمه عبارت است از تلاشی برای یافتن مناسب‌ترین معادل برای هر واژه. در قرن شانزدهم میلادی این تعریف از ترجمه مدافعان سرسخت‌تری نیز پیدا کرد. ظهور معرفت‌شناسی علمی - تجربی به رد الگوهای هرمنوتیکی منجر شد که تا آن زمان مورد استفاده مفسران یهودی و مسیحی قرار گرفته بود. اصلاحات پروتستانی با شعار «فقط متن مقدس» (Sola Scriptura) با تأکید بر فهم مستقل از سنت تفسیری کلیسا و شکستن انحصار آن با معرفت‌شناسی علمی - تجربی هم‌سو شد. اصلاح‌گران، که خواستار مواجهه مستقیم و بدون دخالت کلیسا با کتاب مقدس بودند، عملاً معنای متن را به ظاهرش محدود کردند (Scholz 2010: 3). برای مثال، تفسیر کالوین متمرکز بر متن است و از آن فراتر

نمی‌رود، زیرا از نظر او متن مقدس وسیله‌ای قابل‌اعتماد برای انتقال وحی خداوند است، نیازی نیست معنای معنوی یا معنای دومی به آن افزوده شود و ظاهر متن به‌تنهایی گواهی است بر خواست خداوند (Noble 1995: 36). از منظر اصلاحات ترجمه‌های کتاب مقدس دستاوردهایی زبانی بودند که متون اصلی عبری، آرامی، و یونانی را به معادل‌های صوری آن‌ها در زبان‌های مقصد تبدیل می‌کردند.

فهم از فرایند ترجمه در دهه ۱۹۶۰ میلادی با مفهوم پیش‌نهادی جدید یوجین نایدا (Eugene Nida)، با عنوان «هم‌ارزی کارکردی» (Functional Equivalence)، یا «پویا» (Dynamic) دگرگون شد. نایدا اظهار تأسف می‌کرد از این‌که بسیاری ترجمه را صرفاً عمل انطباق واژه‌ها می‌دانند و در نتیجه در ترجمه به‌دنبال یافتن نزدیک‌ترین تطبیق ظاهری در معنای دو اصطلاح هستند (Nida 1991: 91). نایدا با بیانی تحقیرآمیز طرف‌داران این نوع ترجمه را گناه‌کارانی می‌خواند که متن را نمی‌فهمند و به‌جای پرستش خدای تجسدیافته در مسیح واژه‌های کتاب مقدس را می‌پرستند (Ryken 2005: 9). از نظر نایدا ترجمه نزدیک‌ترین معادل برای انتقال پیام موجود در متن اصلی است و بازتاب ویژگی‌های سبکی مثل قافیه در درجه دوم اهمیت قرار دارد. نکته محوری در نظریه نایدا این است که ترجمه باید در صورت و محتوا با ملاحظه خواننده و بستر فرهنگی زبان مقصد نوشته شود، زیرا ترجمه عبارت است از بازسازی متن به‌گونه‌ای که مخاطبان زبان مقصد به فهمی مشترک با مخاطبان زبان مبدأ از پیام متن برسند. این تعریف بر رابطه‌ای پویا دلالت دارد، زیرا رابطه مخاطبان نهایی با پیام ترجمه‌شده باید همواره مشابه رابطه مخاطبان متن اصلی با پیامش باشد. روشن است که این دو رابطه نمی‌توانند برابر باشند، زیرا متن اصلی و مخاطبانش دانسته‌های مشترکی دارند که خوانندگان ترجمه از آن بی‌بهره‌اند. بنابراین لازم است که در ترجمه یا در قالب توضیحات تکمیلی اطلاعات کافی برای درک پیام به مخاطبان مقصد داده شود (Nida 1991: 119, 120). در قید لفظ بودن در مواردی به خیانت به معنا و جان کلام مقدس منجر می‌شود و تغییر در واژه‌ها و اصطلاحات متن اصلی گاه برای حفظ معنا و اجتناب از بدفهمی ضروری است. درواقع، مترجم باید به برداشت خواننده توجه کند. اگر خواننده دچار بدفهمی شود، ترجمه مشروع نخواهد بود، حتی اگر در بازآفرینی سبک و ساختار متن مبدأ درست عمل کرده باشد.

مخالفان نایدا معتقدند که نظریه او مترجم را در واردکردن نظر و سلیقه شخصی آزاد می‌گذارد. نتیجه متنی بی‌ثبات خواهد بود که مرز میان ترجمه و تفسیر در آن نامعلوم است. درواقع مترجم به‌جای روبه‌روشدن با پرسش «کتاب مقدس چه می‌گوید؟» به پرسش

«منظور کتاب مقدس چیست؟» پاسخ می‌دهد (Ryken 2005:12-16). با وجود این انتقادات، نظریه‌نایدا اغلب ترجمه‌های کتاب مقدس پس از خود را تحت تأثیر قرار داده است. در دهه ۱۹۸۰ میلادی حوزه مطالعاتی ترجمه با نظریه هانس ورمیر (Hans J. Vermeer) از نظریات نایدا نیز فراتر رفت. بنابر این نظریه، که با نام اسکاپاس (Scopos) شناخته می‌شود، دستورالعمل ترجمه تابع هدف آن است. به عبارت دیگر، ترجمه زمانی موفق خواهد بود که به اهداف کارکردی‌اش دست پیدا کند. در این نظریه متن چیزی است به نام «عرضه اطلاعات». نویسنده بنابر شناختی که از نیازها، دانسته‌ها، و فرهنگ مخاطبان خود داشته اطلاعاتی را عرضه کرده است. از آنجایی که مترجم با مخاطبانی با نیازها، دانسته‌ها، و فرهنگ متفاوتی روبه‌روست باید عرضه دیگری مطابق با آن‌ها داشته باشد (خزاعی فر ۱۳۹۳: ۶).

این چرخش در فهم از فرایند ترجمه در ترجمه‌های شمول‌گرا از کتاب مقدس مجال بروز یافت. عنوان شمول‌گرا در معنای خاص آن شامل ترجمه‌هایی می‌شود که تلاش کرده‌اند تا حد امکان از زبانی غیرجنسیتی (Neutral-Gender-Language) استفاده کنند، ولی در معنای عام علاوه بر جنسیت، حساسیت‌های مربوط به نژاد، ملیت، و طبقه اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. تأکید مترجمان شمول‌گرای کتاب مقدس بر بستر فرهنگی زبان مقصد است. آن‌ها می‌خواهند به حساسیت‌هایی پاسخ دهند که احتمالاً در زمان و در بستر فرهنگی که متون عبری، آرامی، و یونانی پدید آمدند وجود نداشته است. نظریه‌های جدید در حوزه ترجمه این اجازه را به مترجمان داد تا تغییراتی را به نفع معیارهای فرهنگی زبان مقصد اعمال کنند. به عقیده موافقان این تغییرات، در جایی که انحصارگرایی و مردسالاری موجود در کتاب مقدس می‌تواند بسیاری از مخاطبان را از شنیدن کلام خداوند منصرف کند زبان شمول‌گرا ضرورتی است که به ترجمه مشروعیت می‌بخشد.

### ۳. انحصارگرایی در کتاب مقدس

پیش از معرفی ترجمه‌های شمول‌گرا لازم است معلوم شود که انحصارگرایی چه‌طور در کتاب مقدس نمود پیدا کرده است و چه مواردی را می‌توان نمونه‌هایی از غلبه زبان مردسالارانه دانست.

در مسیحیت اختلافی برسر این که مسیح برای نجات و رستگاری انسان‌ها و نه فقط مردان آمده است، وجود ندارد. ایمان به این باور اما نمی‌تواند جبران مردسالاری بارز در کتاب مقدس و تمامی خطاب‌ها، روایت‌ها، و استعاره‌هایی باشد که زنان را نادیده می‌گیرد و

به تولید الگوهای ذهنی دامن می‌زند که زنان را در فرودست و جایگاهی نازل‌تر از مردان می‌نشانند. مردان شخصیت‌های اصلی روایت‌ها و داستان‌های کتاب مقدس‌اند. از همان ابتدا و در سفر پیدایش هیچ اشاره‌ای به دختران آدم و حوا نمی‌شود. زنان اغلب نام ندارند و با عناوینی مانند همسر یا دختر به آن‌ها اشاره می‌شود. عهد قدیم داستان پدران و پسران نسل‌های متمادی و پیمان میان آن‌ها و یهوه است. زنان وسیله باروری و تکثیر قوم‌اند و در مواردی هم تنها نقش ابژه جنسی را دارند. برای مثال، یعقوب دارای دوازده پسر می‌شود که دوازده سبط قوم از آن‌ها پدید می‌آید و کثیر می‌شود. نام این پسران بارها در خلال داستان ذکر و سرگذشت آن‌ها به مناسبت‌های مختلف روایت می‌شود، اما تنها یک‌بار اشاره می‌شود که یکی از همسران یعقوب دختری می‌زاید. هیچ یادی از این دختر نمی‌شود تا این که پس از ساکن شدن در شهری جدید پسر رئیس آن سرزمین به او تجاوز می‌کند و ماجرای خشم برادران و قتل‌عام ساکنان و تاراج شهر رقم می‌خورد.<sup>۲</sup>

علاوه بر این‌ها احکام و قوانین مربوط به زنان در کتاب مقدس اغلب تبعیض‌آمیز است. برای مثال زنی که دختر بزاید دو برابر بیش از زمانی که دارای نوزاد پسر شود در دوران نجاست و خون‌تطهیر خود باقی می‌ماند.<sup>۳</sup> در مجموع زنان به‌ویژه در عهد قدیم حقوق و اختیاری از خود ندارند. اگر تعدی به آن‌ها گناه محسوب می‌شود و مجازاتی در پی دارد به این دلیل است که در واقع به دارایی پدران و همسران آن‌ها تجاوز شده است.<sup>۴</sup>

باب ۱۲ سفر اعداد به روایت شکایت مریم و هارون اختصاص داده شده است. بنابر این روایت آن‌ها شاکی‌اند از این که موسی زنی حبشی گرفته است. افزون‌بر این از جایگاه خاص موسی نزد خداوند خشنود نیستند، زیرا به‌گمانشان خداوند با آن‌ها نیز سخن گفته است. خداوند به آن‌ها به سبب این اعتراضشان خشم می‌گیرد، اما معلوم نیست چرا فقط مریم مجازات می‌شود. مریم مبروص می‌شود و باید تا هفت روز بیرون لشکرگاه محبوس بماند.

در کتاب مقدس مردان‌اند که طرف خطاب قرار می‌گیرند. در موارد معدودی هم که زنان مخاطب یا موضوع سخن‌اند پیام متن اغلب تحقیرآمیز است. از آن جمله در افسسیان (آیه ۲۲-۲۴: ۵): «ای زنان، شوهران خود را اطاعت کنید چنان‌که خداوند را، زیرا که شوهر سر زن است، چنان‌که مسیح نیز سر کلیسا...» یا در جای دیگری آمده است:

می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد و سر مسیح خدا... مرد صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است، زیرا که مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به‌جهت زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد.<sup>۵</sup>

دست‌کم از معنای ظاهری این عبارات برداشت می‌شود که زن انسان یا مؤمنی درجه دوم است. باب دوم نامه تیموتاوس نیز تعلیم‌دادن و مسلط‌شدن بر مرد را برای زن جایز نمی‌داند و در عوض از او می‌خواهد که ساکت بماند. در رساله اول به قرن‌تیان نیز بار دیگر حرف‌زدن زنان در کلیسا تقبیح شده است.<sup>۶</sup> زنان در کتاب مقدس بیش از آن‌که به اطاعت از خدا دعوت شوند، به اطاعت از شوهران خود فرمان داده می‌شوند. مطیع شوهر بودن از مهم‌ترین ویژگی‌های زنان مؤمن است.<sup>۷</sup>

در توجیه این تبعیض‌ها معمولاً زنان را به داستان آفرینش انسان و نقش حوا در هبوط از باغ عدن ارجاع می‌دهند. براساس یکی از دو روایت آفرینش، حوا از دنده آدم و برای او آفریده شده است.<sup>۸</sup> افزون‌بر این ترتیب آفرینش که تفاوت جایگاه زن و مرد از آن منتج شده، آفرینش حوا از دنده آدم و برای همراهی او (تا آدم تنها نباشد) گویی حاکی از آن است که زن طفیلی وجود مرد است و آفرینش او هدف مستقیمی را دنبال نمی‌کند. در روایت گناه‌کارشدن و هبوط نیز نخست حواست که فریب می‌خورد و سپس آدم را به سرکشی ترغیب می‌کند و سبب گناه‌کاری او می‌شود.

مسئله دیگری که اذهان حساس به نابرابری‌های جنسیتی را به‌خود مشغول کرده شدت گرفتن انحصارگرایی مردانه در ترجمه‌ها در مقایسه با نسخه‌های معیار یعنی عبری و یونانی است. به نظر می‌رسد که پیش‌فهم‌های مردسالارانه مترجمان در روند ترجمه مؤثر بوده و باعث تنزل بیش از پیش جایگاه زنان شده است (Mollenkott 1994: 97-105). در مواردی نیز مترجمان امکان انتخاب‌های مناسب برای انتقال مفاهیم به زبان مقصد را داشتند، اما از انتخاب واژگان خنثی صرف‌نظر کرده و به انحصارگرایی مردانه دامن زده‌اند. مواردی از این دست در عصر جدید سبب واکنش‌هایی به نابرابری جنسیتی در کتاب مقدس شده است. خطر دل‌سردشدن زنان از کلام الهی و بی‌اعتمادی به خدای مسیحیت عده‌ای را به چاره‌جویی واداشته است. از این‌رو، در حال حاضر ترجمه‌های جدید با هدف تصحیح ترجمه‌های سنتی انجام می‌شوند و بسیاری از آن‌ها پررنگ‌تر کردن حضور زنان در کتاب مقدس را مدنظر دارند.

#### ۴. ترجمه‌های شمول‌گرا

زبان تبعیض‌آمیز کتاب مقدس تاکنون دو واکنش عمده را در پی داشته است. عده‌ای نه‌تنها این فرض را می‌پذیرند که کتاب مقدس توسط مردان نوشته شده و مشروعیت یافته است،



بلکه آن را اثری مردسالارانه می‌دانند که به ادامه سلطه مردان می‌افزاید و بر برتری اجتماعی آن‌ها صحنه می‌گذارد. به عقیده این گروه کتاب مقدس محصول فرهنگی مردم‌محور است که به تدریج فرهنگ‌هایی را که زنان در آن‌ها در مقام خدا، رهبر، یا برابر با مردان تکریم می‌شدند، کنار زد و جانشین آن‌ها شد (Greenpahn 2008: 78-79). این گروه حقانیت کتاب مقدس را زیرسؤال می‌برند و تنها راه ازمیان‌بردن این تبعیض و نابرابری را کنار گذاشتن ایمان به این کتاب می‌دانند.

دسته‌ای دیگر معتقدند که غلبه زبان مردانه در کتاب مقدس نتیجه تأثیر فرهنگ‌هایی مردسالار و تفسیرهای دوره‌های بعد است. از این میان، برخی بر این باورند که در دوره پس از تبعید و در ادبیات اشعیاى ثانی بینشی الهیاتی ظهور کرد که در آن هر دو تصویر مادرانه و پدرانه از خدا وجود داشت و هیچ‌یک از این تصاویر دیگری را نفی نمی‌کرد. اما روند تفسیر کتاب مقدس به گونه‌ای پیش رفت که تصویر زنانه از خدا آگاهانه یا ناآگاهانه محو شد (ibid.: 77). عده‌ای این چرخش را شاهدهی می‌دانند بر نقش تعیین‌کننده فرهنگ‌های مردسالار در تنزل جایگاه زنان. ترجمه‌های شمول‌گرا واکنشی است به مردسالاری و تبعیض شاید تحمیلی باشد در کتاب مقدس و تلاش برای بازگرداندن کلام خداوند به پیام اصلی آن که به گفته پولس: «هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در عیسی مسیح یک می‌باشید».<sup>۹</sup>

#### ۱.۴ مهم‌ترین ترجمه‌های شمول‌گرا

برخی مورخان ترجمه انگلیسی جولیا اسمیت (Julia Smith) در سال ۱۸۷۶ را، با وجود این که فاقد زبان شمول‌گراست، نخستین ترجمه فمینیستی می‌دانند. ویژگی منحصر به فرد این ترجمه این است که تمامی مراحل ترجمه، حروف‌چینی، ویراستاری، و توزیع آن را زنان انجام داده‌اند. از سوی دیگر، این ترجمه از این لحاظ که برای نخستین بار از دیدگاهی زنانه صورت گرفته و حائز اهمیت است (Scholz 2010: 6, 7).

ترجمه انگلیسی آدولف ارنست ناخ (Adolph Ernst Knoch) در ۱۹۳۰ نخستین تلاش برای استفاده از زبان شمول‌گرا بود. ناخ متوجه شد که لفظ «Man» شامل زنان، دختران، و پسران نمی‌شود. بنابراین هر جا به طور خاص به جنس مذکر اشاره نداشت «Human» را جای‌گزین آن کرد (ibid.: 7).

پس از ترجمه ناخ طی چند دهه هیچ ترجمه شمول‌گرایی منتشر نشد تا این‌که از دهه ۱۹۷۰ میلادی، با موج دوم جنبش فمینیستی، شمول‌گرایی بار دیگر و این‌بار با حساسیت‌های بیش‌تر به بحث ترجمه کتاب مقدس وارد شد و هیئت‌هایی از مترجمان تلاش کردند زبان شمول‌گرا را در ترجمه کتاب مقدس به‌کار ببرند. نتیجه این تلاش‌ها سه ترجمه کامل و شمول‌گرا از کتاب مقدس با عناوین *New Jerusalem Bible (NJB)* در ۱۹۸۵، *Revised English Bible (REB)* و *New Revised Standard Version (NRSV)* در سال ۱۹۸۹ بود. مترجمان *NRSV* در مقدمه از انحصار جنسیتی در ترجمه‌های انگلیسی کتاب مقدس با عنوان خطری یاد کرده‌اند که پیام متن اصلی را در ابهام فرومی‌برد، بنابراین زبان غیرجنسیتی را راهی دانسته‌اند برای حفظ امانت و جلوگیری از بدفهمی. در این ترجمه، بیش از چهارهزار بار تغییراتی به‌نفع زبان غیرجنسیتی اعمال شده است. خواننده در این ترجمه به واژه‌های پدر، پسر، و برادر کم‌تر برمی‌خورد. در موارد زیادی ضمائر مذکر با ضمائر جمع یا دوم‌شخص جای‌گزین شده‌اند و در مواردی که از واژه *Man* معنای عام انسان برداشت می‌شده با واژه‌هایی مانند *Human Being*، *Mortal*، *Humankind* یا اسم جمع *People* جای‌گزین شده است.<sup>۱۱</sup> مترجمان *NRSV* معتقدند که در بسیاری موارد شمول‌گرایی با این روش‌ها به‌دست آمده است. البته شخصیت‌های حکایات و تمثیل‌ها مشمول این تغییرات نشده‌اند و هم‌چنان سایه مردسالاری بر آن سنگینی می‌کند.

باوجود این اقدامات هیچ‌یک از این ترجمه‌ها شمول‌گرایی را در اولویت کار خود قرار ندادند، تا این‌که در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۶ ترجمه‌هایی با الهام از ارزش‌های فمینیستی و با هدف شکستن انحصار مردانه کتاب مقدس منتشر شد. همه این ترجمه‌ها، به‌جز ترجمه آلمانی *Bible in gerechter Sprache (BigS)*، ترجمه بخش‌هایی از کتاب مقدس و به زبان انگلیسی است.

شمول‌گرایی در *BigS* معنایی گسترده‌تر از به‌کاربردن زبان غیرجنسیتی پیدا کرده است. در این ترجمه الگوهای انحصارگرایانه قدرت در سطحی وسیع‌تر به‌چالش کشیده می‌شود و تبعیض‌های قومی، نژادی، و طبقاتی و گفت‌وگوی بین‌ادیانی را نیز شامل می‌شود (Gomola 2010: 201, 202).

نمونه دیگری که به تبعیض‌های نژادی و اجتماعی بی‌تفاوت نماند، ترجمه *New Testament and Psalms: an Inclusive Version* است. برای مثال، علاوه‌براین‌که برای اشاره به خداوند اصطلاح *Father-Mother* را جای‌گزین *Father* کرده، از به‌کاربردن لقب *Master* برای عیسی مسیح خودداری کرده است و با آگاهی از این‌که شرایط یک انسان تمام

هویت او را تعریف نمی‌کند، به جای Slave از Enslaved Person و به جای The Poor از Poor People استفاده کرده است.

یکی از بخش‌های کتاب مقدس، که مورد توجه الهی‌دانان برابری‌خواه بوده و در بیش‌تر ترجمه‌های شمول‌گرا دست‌خوش تغییر شده، داستان آفرینش است. در اوایل قرن نوزدهم میلادی هنگامی که زنان به تبعیض جنسیتی که علیه آن‌ها روا می‌شد اعتراض می‌کردند، به کتاب مقدس ارجاع داده می‌شدند و کتاب مقدس نیز آن‌ها را به داستان آفرینش آدم و حوا ارجاع می‌داد.<sup>۱۲</sup> مری کورساک (Mary Korsak)، مترجم انگلیسی سفر پیدایش (1993) و انجیل یوحنا (2010)، یکی از مترجمانی است که راه‌حل این مشکل را در بازنگری ترجمه‌های سنتی از داستان آفرینش یافت. کورساک توضیح می‌دهد که به استناد واژه‌شناسی کتاب مقدس «آدم» (Adam) با واژه «آدمه» (Adamah) به معنی «خاک» مرتبط است.<sup>۱۳</sup> بنابراین منظور از آدم انسان است، نه مرد. از آنجایی که در زبان انگلیسی امروز Man تا حد زیادی معنای عامش، یعنی انسان، را از دست داده معادل مناسبی برای آدم نیست. کورساک Groundling را معادل آدم قرار می‌دهد تا علاوه بر متکی نبودن بر سلسله‌مراتب جنسیتی، ریشه‌شناسی واژه در متن اصلی را نیز منتقل کند (Gomola 2010:199, 200). به این ترتیب، نخستین روایت پیدایش انسان<sup>۱۴</sup> از موجودی فاقد جنسیت سخن می‌گوید و تنها در روایت دوم و پس از جدایی است که زن و مرد پدید می‌آیند،<sup>۱۵</sup> در غیر این صورت دست‌کم در ظاهر دو روایت آفرینش متناقض می‌نمایند.

برای نمونه دیگری از ترجمه‌هایی که بر اساس اصول و ارزش‌های فمینیستی انجام شده می‌توان از The Inclusive New Testament (INT) نام برد. در این ترجمه نیز خواننده به نوآوری‌های منحصربه‌فردی برای مقابله با فرهنگ مردسالار حاکم بر متن برمی‌خورد. از جمله این‌ها هر جا حذف زنان در متن اصلی ناشی از مردسالاری تشخیص داده شده زنان در ترجمه گنجانده شده‌اند. برای مثال، در یوحنا (۸: ۳۳ - ۴۰) و بسیاری موارد دیگر «فرزندان ابراهیم» در ترجمه به «فرزندان ابراهیم و ساره» تغییر پیدا کرده است. نمونه دیگر جای‌گزینی «Son» با عنوان غیرجنسیتی «The Only Begotten» (یگانه‌زاده‌شده) برای اشاره به عیسی مسیح است. مورد جالب توجه دیگر ترجمه آیه ۳: ۱۸ کولسیان است. در متن اصلی و ترجمه‌های سنتی زنان به اطاعت از شوهران خود امر شده‌اند، اما در INT همسران متقابلاً به اطاعت از یک‌دیگر امر شده‌اند:

“You Who Are in Committed Relationships, be Submissive to Each Other”.

## ۲.۴ خیانت یا پای‌بندی به متن مقدس در ترجمه‌های شمول‌گرا

انتشار ترجمه‌های شمول‌گرا با واکنش‌های اعتراضی شدیدی روبه‌رو شد. به عقیده مخالفان، ترجمه‌های شمول‌گرا نتیجه جنبش فمینیستی در دهه ۱۹۷۰ میلادی و خواسته زنانی است که قصد دارند از جایگاهی که خداوند به آنان داده است بگریزند، درحالی‌که چاره‌ای جز پذیرفتن محوریت مرد در کتاب مقدس ندارند و این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا سخن خدا باید براساس معیارهای زمانه تغییر کند و اگر چنین است این تغییر تا کجا پیش خواهد رفت (Poythress and Grudem 2000: 5).

عده‌ای ترجمه‌های شمول‌گرا را برآمده از تبی فمینیستی می‌دانند که مسیحیت را با خطری جدی روبه‌رو کرده است، زیرا ترجمه‌ها تلاش می‌کنند الگوهای فرهنگی و زبانی را، که در تضاد با برنامه‌ها و اصول فمینیسم قرار دارند، حذف کنند. مترجمان نسخه‌های شمول‌گرا آن‌چه فکر می‌کنند کتاب مقدس باید می‌گفت عرضه می‌کنند. درحالی‌که تنها یکی از این دو گزینه می‌تواند درست باشد: «ما تنها از کتاب مقدس پیروی می‌کنیم» یا «ما آن را مطابق الگوهای فکری جدید بازآرایی می‌کنیم». به عبارت دیگر، ترجمه‌های شمول‌گرا که سخن خدا را براساس تحولات فرهنگی اصلاح می‌کنند، هرگز ترجمه‌های درست و دقیقی محسوب نمی‌شوند. تغییر ترجمه کتاب مقدس و کاهش صحت و دقت آن تنها به این سبب که درقبال زنان محترمانه‌تر به نظر برسد، درواقع خیانت به کلام الهی است، چراکه شاید این عناصر مردسالارانه همان چیزی باشد که روح‌القدس به‌منزله کلام الهی قصد داشته به گوش جهانیان برساند. بین ترجمه شمول‌گرا و ترجمه درست تنها یک انتخاب وجود دارد. درواقع افرادی که دست به تغییراتی در ترجمه کتاب مقدس می‌زنند در خارج از دایره معتقدان به آن قرار می‌گیرند، زیرا واژه‌به‌واژه کتاب مقدس سخن خداوند است که بر زبان و قلم نویسندگان آن جاری شده است، بنابراین هر تغییری هرچند در الفاظ به معنی انکار الهی بودن این کتاب یا دروغ‌گویند داشتن خداوند است (ibid.: 283).

در این میان برخی می‌پذیرند که در مواردی واژه‌های مذکر در کتاب مقدس به هر دو جنس اشاره دارند، حتی اقرار دارند که درک این مطلب برای انگلیسی‌زبانان این عصر دشوار است و بسیاری از خواننده‌های کتاب مقدس نمی‌فهمند که معنای واژه‌های مذکر وابسته به متن است. با این حال، حاضر به پذیرش تغییرات ایجادشده در نسخه‌های شمول‌گرا نیستند و اصرار دارند که خواننده‌های کتاب مقدس «باید» بفهمند که زبان انگلیسی مانند عبری و یونانی فاقد ضمیرهای مفرد خنثی است. از سوی دیگر، مفهوم عام

برخی عبارات کتاب مقدس چنان واضح است که هر تغییری در لفظ غیرضروری می‌نماید (Smalley 1991: 61).

گذشته از این‌ها ترجمه شمول‌گرا برای مطالعه پژوهش‌گران حوزه دین و الهی‌دانان مناسب نیست، زیرا برای مثال در بسیاری موارد استفاده از ضمیر جمع به جای ضمیر مفرد مذکر تأکیدی را که به نظر می‌رسد متن اصلی بر فرد داشته از میان برده و از دقت ترجمه کاسته است یا با تفسیر به رأی و فروکاستن چندمعنایی به تک‌معنایی متن را تحریف کرده و امکان شرح و تفسیرهای جدید را از بین برده است. ترجمه لفظ گرایستی از آن‌رو که به خواننده این امکان را می‌دهد که از بین واژه‌های معادل به‌منظور متن اصلی پی‌ببرد برای مطالعه جدی و پژوهشی کتاب مقدس مناسب‌تر است (Pilch 2000: 7, 8). به عبارت دیگر، مردسالاری بخشی از فرهنگ کتاب مقدس است و پنهان کردن آن با حذف زبان مردم‌محور خواننده را از درک این جنبه از متن بازمی‌دارد. پرسش این‌جاست که چه‌طور می‌توان مطمئن بود که این عناصر مردسالار عهدین دقیقاً همان چیزی نیست که روح‌القدس به‌عنوان کلام الهی در نظر داشته به گوش مخاطبان خود برساند (Scorgie and Strauss 2003: 51).

مترجمان شمول‌گرا در دفاع از شیوه خود همان استدلالی را به‌کار می‌برند که مترجمان مقصدگرا برای توجیه کار خود دارند. آن‌ها انتقال معنی و جان کلام را به خواننده در اولویت قرار می‌دهند و برای رسیدن به این مقصود تغییراتی را در متن اصلی مجاز و چه‌بسا ضروری می‌دانند. ترجمه‌های شمول‌گرا به این پرسش پاسخ می‌دهند که اگر نویسنده کتاب مقدس در زمان حال می‌زیست، از چه بیانی برای انتقال افکار و مقصود خود بهره می‌برد تا برای مخاطب عام قابل‌فهم باشد. در ترجمه‌های شمول‌گرا آن‌چه اهمیت دارد انتقال روح متن و توجه به نحوه استفاده از واژه‌های عبری و یونانی است، نه خود آن واژه‌ها در این دو زبان. اگر متن بیان‌گر عمومیت است و هر دو جنس یا همه نژادها و اقوام را دربر می‌گیرد ترجمه نیز باید بازتاب همین عمومیت باشد و اگر نه در بازگویی به جان کلام خیانت می‌شود.

علاوه‌براین، مقایسه ترجمه‌های سستی با نسخه‌های عبری و یونانی نیز نشان می‌دهد که در نخستین ترجمه‌ها از جمله ترجمه تیندال و کینگن جیمز نیز مواردی از شمول‌گرایی دیده می‌شود. برای مثال، در ترجمه عهد جدید از تیندال در آیه ۹:۵/انجیل متی از «فرزندان» به‌عنوان معادلی برای «پسران» استفاده شده است (ibid.: 59).

یکی از مهم‌ترین اهداف ترجمه‌های شمول‌گرای جدید حذف تصویر مردانه از خدای کتاب مقدس بوده است. برای این منظور، گاه واژه‌های مرکبی چون Father-Mother ابداع کردند، ضمائر he و she را توأمان به کار بردند یا از ترجمه نام‌های عبری کتاب مقدس خودداری کردند. مترجمان این تغییرات را به‌پشتوانه آیه ۱۱:۹ کتاب هوشع انجام می‌دهند و ترجمه‌های سنتی و انحصارگرایانه را متهم می‌کنند به این‌که در ترجمه یکی از آیه‌های سرنوشت‌ساز کتاب مقدس با تفسیر به رأی به کلام الهی خیانت کرده‌اند. اغلب مترجمان و مفسران سنتی کتاب مقدس فرض را بر این گذاشته‌اند که این آیه فاصله میان خدا و انسان را بیان می‌کند یا براساس تفسیر معروف کارل بارت بیان‌گر «به‌کلی دیگر» بودن خداست. حتی در برخی ترجمه‌های جدید نیز این آیه «For i am God and no Mortal» (زیرا من خدا و نامیرا هستم) ترجمه شده که بر تمایز میان خدا و نوع بشر تأکید دارد و مهم‌ترین تفاوت را در نامیرا بودن می‌داند (Scholz 2014: 17). تفسیرهای دیگری نیز با تفاوت‌های جزئی از این آیه وجود دارد و بیش‌تر آن‌ها هم‌چنان بر تفاوت لاهوت و ناسوت تأکید دارند؛ اما پژوهش‌گران فمینیست با نگاهی متفاوت به این آیه، تأکید دارند که واژه عبری‌ای که در ترجمه‌های انگلیسی کتاب مقدس Man یا Mortal ترجمه می‌شود، «אִישׁ» (ایش) و به معنی «مرد» (Male) است. بنابراین منظور از این آیه تمایز میان خدا و بشر نیست، زیرا אִישׁ معنای عام نوع بشر را ندارد، بلکه به‌طور خاص به جنس مذکر اشاره دارد. اگر هوشع می‌خواست از ویژگی انسانی سخن بگوید، واژه‌های دیگری برای رساندن منظور خود در اختیار داشت. بنابراین هوشع قصد داشت تفاوت بین خدا و مرد را توصیف کند. درواقع آنچه پیهه نفی می‌کند صورت مردانه‌ای است که به او نسبت می‌دهند. به‌باور مدافعان این دیدگاه این آیه با تأکید بر مردن‌بودن خدا به‌مثابه تلاشی است برای بی‌اثرکردن روح مردانه حاکم بر سخن خدا در کتاب مقدس (Poythress and Grudem 2000: 236). بنابراین مخالفان ترجمه‌های شمول‌گرا باید به این پرسش پاسخ دهند که چرا ناگهان در این مورد نگرشی شمول‌گرا پیدا کرده‌اند، ابهام پیام متن را نادیده گرفته‌اند، مفهوم را بر لفظ ترجیح داده‌اند، و از واژه אִישׁ بی‌هیچ نگرانی مفهوم «انسان» را برداشت کرده‌اند. درحالی‌که وقتی بار دیگر واژه אִישׁ برای مثال در مزامیر (۱:۱) تکرار می‌شود، مخالفان زبان شمول‌گرا به استفاده از معادل دقیق واژه، یعنی Man، اصرار دارند.<sup>۱۶</sup>

علاوه‌براین‌ها نمونه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد انحصارگرایی مردانه در ترجمه‌ها از نسخه‌های معیار، یعنی عبری و یونانی، شدت گرفته است. ترجمه‌ها با ازبین‌بردن ظرافت‌های معنایی متن اصلی از حضور زنان و جنبه‌های زنانه متن کاسته است، برای مثال

در مفهوم خدا چون «حکمت». حخماه (Hokhmah) در عبری و سوفیا (Sofia) در یونانی هر دو مؤنث‌اند، درحالی‌که در انگلیسی و دیگر زبان‌هایی که اسامی فاقد جنسیت‌اند، این ویژگی حذف می‌شود (Mollenkott 1994: 97-105). در مواردی نیز مترجمان امکان انتخاب‌های مناسب برای انتقال مفاهیم به زبان مقصد را داشتند، اما انتخاب‌های زنان را حذف کردند و به انحصارگرایی مردانه افزودند. واژه یونانی τέκνον (Teknon) نمونه روشنی از این دست است. τέκνον به معنی فرزند است و به هر دو جنس اطلاق می‌شود، اما در کینگ جیمز به «پسر» (Son) ترجمه شده است.<sup>۱۷</sup> کینگ جیمز ترجمه‌ای لفظ‌گرا شمرده می‌شود، اما در این مورد دخالت رأی و برداشت مترجمان زنان را، که نیمی از پیروان مسیح و فرزندان خدا بوده‌اند، حذف کرده است. در ترجمه‌های RSV<sup>۱۸</sup> و NEB<sup>۱۹</sup> نیز موارد فراوانی از ترجمه ضمیر نامعین و خشی τις (tis) به Man یا Any Man وجود دارد،<sup>۲۰</sup> درحالی‌که باید مثلاً Anyone ترجمه کرد.

گذشته از این، گاه هنگامی‌که در متن اصلی واژه‌ای یک‌سان برای اشاره به زنان و مردان به کار رفته در ترجمه انگلیسی آن معادل‌های متفاوتی انتخاب شده، به نحوی که لفظ به کاررفته درباره زنان شأن اجتماعی پایین‌تری دارد. برای مثال، در گذشته διάκονος (Diakonos) به افرادی گفته می‌شد که به سایرین خدمت می‌کردند و درحال حاضر منصبی از سلسله‌مراتب کلیساست. در کینگ جیمز هنگامی‌که به مردی در این جایگاه اشاره شده معادل‌های آن Minister یا Deacon قرار گرفته،<sup>۲۱</sup> اما زمانی‌که زنی منظور بوده واژه Servent انتخاب شده است.<sup>۲۲</sup> مواردی از این دست در کنار استفاده معمول از معادل‌هایی چون Workmen, Herdsmen Foremen, Fellow Countrymen که همگی زنان را نادیده می‌گیرند. مترجمان شمول‌گرا مدعی‌اند که با تصحیح این موارد متن مقدس را از پیش‌فهم‌های مردسالارانه و انحراف در ظاهر و معنا حفظ کرده‌اند.

## ۵. ارزیابی تعدیل انحصارگرایی در ترجمه‌های شمول‌گرا

همان‌طور که شرح داده شد، در اغلب ترجمه‌های شمول‌گرا تغییری فراتر از محدوده انتخاب واژگان زبان مبدأ روی نداده است. مترجمان تلاش کرده‌اند برای مثال با به‌کاربردن ضمائر خشی یا اسم‌های فاقد جنسیت زبان تک‌جنسیتی متن را به زبانی خشی نزدیک کنند. به نظر می‌رسد این تغییرات در انجیل‌ها تا حد زیادی برابری‌خواهان را به مقصودشان رسانده و زبان خشی و غیرجنسیتی را محقق ساخته است، زیرا انجیل‌ها، که بازگوکننده زندگی

عیسی مسیح‌اند، بیش از سایر بخش‌های کتاب مقدس با مطالبات برابری خواهانه هم‌سواند. *انجیل‌های چهارگانه* نه تنها با تحقیر و نادیده گرفتن زنان احساسات آن‌ها را جریحه‌دار نمی‌کنند که روایت آن‌ها از نوع رفتار عیسی با زنان پشتوانه مترجمان شمول‌گراست برای اعمال تغییراتی به نفع مطالبات برابر خواهانه در بخش‌های دیگر کتاب مقدس. عیسی در محیطی ظهور کرد که زنان چندان در جامعه به حساب نمی‌آمدند. یهودیت در آن زمان سرشار از خصومت علیه زنان بود. به مردان توصیه می‌شد که حتی با همسران خود زیاد سخن نگویند. تا حد امکان از حضور زنان در اجتماع و محیط‌های عمومی ممانعت می‌شد. زنان در معبد تنها به مکان ویژه‌ای دسترسی داشتند و به شیوه‌ای یکسان با بردگان عبادت می‌کردند و وظایف دینی را به‌جا می‌آوردند (Kung 2001: 2). در این فضا بود که روایت‌کنندگان *انجیل‌ها* از سخن گفتن از رابطه عیسی با زنان خودداری نکردند. بنابر این روایات در واقع عیسی از سنت محروم و مستنکر کردن زنان سرپیچی می‌کند، به آن‌ها محبت و علاقه نشان می‌دهد و پذیرای حضور و همراهی آن‌هاست.<sup>۲۳</sup> *انجیل‌ها* هیچ نشانه‌ای از توهین و تحقیر زنان از سوی عیسی گزارش نمی‌کنند. زنان بسیاری پیرو و حامی عیسی مسیح بودند که نام برخی از آن‌ها در *انجیل‌ها* آمده است.<sup>۲۴</sup> زنان‌اند که تا پای صلیب با عیسی باقی می‌مانند و هنگام تدفین او حضور دارند،<sup>۲۵</sup> در حالی که حواریون متواری می‌شوند و عیسی را از ترس جان خود انکار می‌کنند.<sup>۲۶</sup> بنابر گزارش *اناجیل*، عیسی نیز نخستین بار بر زنان ظاهر می‌شود.

سنت عیسی در برخورد با زنان تا حدودی در مسیحیت ادامه پیدا کرد و در کلیسای اولیه زنان توانستند در نقش‌های دینی و اجتماعی اثربخشی ظاهر شوند. برای مثال درست است که عیسی جمع محدود دوازده نفری خود را تنها از میان مردان برگزید، اما عنوان «رسول» (Apostle) در عهد جدید تنها برای این دوازده نفر به کار نرفته است، بلکه شامل جمعی گسترده‌تر از مردان و زنانی می‌شود که پیام رستاخیز مسیح را تبلیغ می‌کردند.<sup>۲۷</sup> فهرست دروهای پولس به رسولان و خادمان کلیسا در پایان نامه‌اش به رومیان نشان می‌دهد که کلیسای اولیه را باید اجتماعی از برادران و خواهران دانست، زیرا ۹ تا از ۲۹ اسم یادشده در این نامه اسامی زنانه‌اند (ibid.: 12).

بنابراین می‌توان گفت *اناجیل* موانع چندانی بر سر راه برابری خواهی عصر جدید ایجاد نمی‌کنند و حتی به مترجمان با دیدگاه‌های شمول‌گرا جسارت می‌دهند که علیه تبعیض جنسیتی دست به نوآوری‌هایی بزنند. با این حال *اناجیل* تنها بخش کوچکی از کتاب مقدس را تشکیل می‌دهند. روح حاکم بر کل کتاب مقدس که شامل عهد جدید و عهد قدیم است



تا برابری‌جنسیتی فاصله زیادی دارد و انتخاب واژگان خنثی و تصحیح ترجمه‌های سنتی به‌تنهایی این فاصله را جبران نمی‌کند. برای مثال، هیچ تغییری در محدوده واژگان نمی‌تواند حضور زنان را در اسفار پنج‌گانه که بخش بزرگی از آن داستان پسران اسرائیل است پررنگ کند. برخی احکام درباره زنان (همان‌طور که پیش‌تر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره شد) نه زبان مردسالارانه که حاکی از سلطه فرهنگی مردسالار است، یا برای سازگاری عباراتی چون «شوهر سر زن است»، «مرد از زن نیست و زن از مرد است»، یا «زن به‌جهت مرد آفریده شده» با انتظارات برابرخواهانه، بیش از تصحیح ترجمه به تفسیری مفصل احتیاج است. همان‌طور که گفته شد برخی پژوهش‌گران این عدم یک‌پارچگی زبان و اختلاف تصاویر از جایگاه زنان را حاصل غلبه فرهنگ‌های مردسالار می‌دانند. به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد برای شکستن انحصار جنسیتی به تغییراتی بسیار بنیادی‌تر در ظاهر آیات نیاز است و این همان چیزی است که مخالفان ترجمه‌های شمول‌گرا از آن بیم دارند، به آن هشدار می‌دهند، و دغدغه خود را با این پرسش مطرح می‌کنند که شمول‌گرایی در ترجمه‌های کتاب مقدس برای کسب رضایت برابری‌خواهان تا کجا پیش خواهد رفت.

## ۶. نتیجه‌گیری

کتاب مقدس با بیش‌ترین تعداد ترجمه و چاپ در صدر پرمخاطب‌ترین کتب مقدس قرار دارد. به‌نظر می‌رسد این صدرنشینی برخی مترجمان، به‌ویژه مترجمان زبان انگلیسی، را در سال‌های اخیر بر آن داشته تا با به‌کارگیری زبان خنثی و با در نظر گرفتن حساسیت‌های جنسیتی، نسل جدید به‌ویژه زنان را معتقد و علاقه‌مند به کتاب مقدس نگه دارند. با تحول در تعریف ترجمه از نمونه‌ای ادبی - زبانی به محصولی برای تبادل فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی مترجم کتاب مقدس نیز اختیارات و آزادی عمل بیش‌تری پیدا کرد و نقش او فراتر از یافتن معادل‌هایی برای واژه‌های متن مبدأ تعریف شد. این تغییر در ترجمه‌های جدید کتاب مقدس به‌ویژه ترجمه‌های شمول‌گرا نمود بیش‌تری پیدا کرد، اما با انتقادات شدیدی از سوی مخالفانی روبه‌رو شد که ترجمه‌های شمول‌گرا را به تحریف کلام الهی متهم می‌کنند. مخالفان معتقدند در یک ترجمه درست و دقیق عناصر فرهنگی نیز باید به ترجمه منتقل شود. ترجمه‌های شمول‌گرا با ادعای ترجیح جان کلام بر ظاهر متن و با تکیه بر قرینه‌هایی از برابری زنان و مردان در خود کتاب مقدس، از جای‌گزینی ضمایر عام به‌جای برخی ضمایر و اسامی مذکر آغاز شدند و تا ملاحظاتی در داستان آفرینش پیش رفتند تا انحصار مردانه کتاب مقدس را بشکنند.

به نظر می‌رسد که ادعای تغییر ظاهر آیات براساس معنا و جان کلام را نمی‌توان به‌آسانی در مورد ترجمه کتاب مقدس مجاز دانست، چراکه مشخصه هر متن مقدسی پیچیدگی، رمزآمیزی، و چندلایه‌بودن آن است. به‌باور مؤمنان، متن مقدس تمام سطوح معنایی‌اش را در همه زمان‌ها برای همگان آشکار نمی‌سازد. البته واژه‌به‌واژه سخن خدا دانستن کتاب مقدس روی دیگری نیز دارد و آن ضرورت بازنگری در ترجمه‌های سنتی است، به‌سبب انحراف‌هایی که در این ترجمه‌ها از یونانی یا عبری به انگلیسی اتفاق افتاده و توجه و اعتراض برابری‌خواهان را برانگیخته است.

باوجود تمام این تلاش‌ها به‌نظر می‌رسد روح مردسالارانه حاکم بر کتاب مقدس گریزناپذیر است و هیچ اصلاح و توجیهی آن‌قدر دل‌گرم‌کننده نیست تا زنان به‌هنگام خواندن کتاب مقدس خود را هم‌تراز با مردان، به‌قدر آن‌ها مخاطب کلام خدا و موردعنایت او احساس کنند، چراکه علاوه‌بر واژگان تعبیر، اصطلاحات، داستان‌ها، و حکایت‌ها نیز روحی انحصارگرایانه دارند که زنان را ناگزیر به حاشیه می‌رانند.

## پی‌نوشت‌ها

1. Poythress, Vern and Wayne Grudem (2000), *The Gender-Neutral Bible Controversy: Muting the Masculinity of God's Words*, Broadman and Holman Publisher
۲. سفر پیدایش ۳۴: ۱-۳۱.
۳. لاویان ۱۲: ۱-۶.
۴. برای نمونه بنگرید به سفر خروج ۲۲: ۱۶-۱۷.
۵. قرتیان ۱۰: ۱۶-۳.
۶. ۱۴: ۳۴-۳۶.
۷. رساله اول پطروس ۳: ۶، رساله به کلوسیان ۳: ۱۸، قرتیان (اول) ۱۴: ۳۵.
۸. سفر پیدایش ۲: ۱۸-۲۴.
۹. رساله به غلاطیان ۳: ۲۸.
۱۰. برای مثال ترجمه NRSV از سفر پیدایش ۱: ۶:

“When People Began to Multiply on the Face of the Ground”

مقایسه کنید با ترجمه کینگ جیمز: “when Men Began to Multiply on the Face of the Earth”

بازتاب برابری‌خواهی جنسیتی در ترجمه کتاب مقدس ۱۳۳

۱۲. رساله اول به تیموتاوس ۲: ۸-۱۵.

۱۳. پیدایش ۲: ۷: «پس آدم را از خاک زمین بسرشت...».

۱۴. پیدایش ۱: ۲۷: «پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید.».

۱۵. پیدایش ۲: ۲۱-۲۳.

16. King James Bible, Psalms (1:1), "Blessed is the Man that Walketh not in the Counsel of the Ungodly".

۱۷. برای مثال در مرقس ۵: ۲

"When Jesus Saw their Faith, he Said unto the Sick of the Palsy, Sonthy Sins be Forgiven thee".

18. Revised Standard Version.

19. New English Bible.

۲۰. برای مثال لوقا ۹:۲۳ در ترجمه RSV و یوحنا ۶:۵۰ در NEB.

۲۱. برای مثال تیموتاوس (اول) ۳:۱۲ در ترجمه کینگ جیمز:

"Let the Deacons be the Husbands of one Wife, Ruling their Children and their own Houses well."

۲۲. برای مثال رومیان ۱: ۱۶ در ترجمه کینگ جیمز:

"I Commend unto you Phebe our Sister, which is a Servant of the Church which is at Cenchrea"

۲۳. متی ۲۶: ۶-۱۳؛ لوقا ۱۰: ۳۸-۴۲.

۲۴. لوقا باب ۸

۲۵. مرقس ۱۵: ۴۱، ۴۷، ۱۶: ۲.

۲۶. متی ۲۶: ۶۹-۷۵.

۲۷. رومیان ۱: ۱۶.

## کتاب‌نامه

خزاعی‌فر، علی (۱۳۹۳)، «تعادل یا کارکرد؛ بحثی در باب روش ترجمه ادبی در ایران»، فصل‌نامه مترجم، س ۲۳، ش ۵۴.

مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹)، «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه»، کتاب ماه ادبیات، ش ۴۱.

Gomola, Aleksander (2010), "Feminist Thought in Bible Translation", *Przekładaniec; A Journal of Literary Translation*.

- Greenpahn, Fredrick (2008), *The Hebrew Bible: New Insights and Scholarship*, NYU Press.
- Kung, Hans (2001), *Women in Christianity*, London: Continuum.
- Mollenkot, Virginia (1994), *The Divine Feminine: The Bible Imagery of God as Female*, NewYork: Crossword Publication.
- Nida, Eugene (1991), *Signs, Sense, Translation*, the Bible Society of South Africa.
- Noble, Paul (1995), *Canonical Approach: A Critical Reconstruction of the Hermeneutics of Brevard S. Childs*, Koln: EJ BRILL.
- Pich, John J. (2000), *Choosing a Bible Translation*, London: Liturgical Press.
- Poythress, Vern and Wayne Grudem (2000), *The Gender- Neutral Bible Controversy: Muting the Masculinity of God's Words*, Broadman and Holman Publisher.
- Ryken, Leland (2005), *Choosing a Bible*, Crossway Books
- Scholz, Susanne (2010), *The Bible as "Men's" Word? Feminism and the Translation of the Hebrew Bible/Old Testament*, *Lectio Difficilior: European Feminist Journal for Feminist Exegesis*.
- Scholz, Susanne (2014), *Introducing the Women's Hebrew Bible*, Bloomsbury Publishing.
- Smalley, William (1991), *Translation as Mission*, Mercer University Press.
- Standish, Russell (1996), *Modern Bible Translations Unmasked*, Hartland Publications.
- Strauss, Mark (2003), *Current Issues in the Gender-Language Debate: A Response to Vern Poythress and Wayne Grudem*, Glen G. Scorgie, Mark L. Strauss, and Steven M. Voth (eds.), Michigan, Zondervan: The Challenge of Bible Translation.